

تحلیل حکمت عناصر و معماری مدرسه چهارباغ

آتنا کیانی مجاهد / دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.*
atena_kiani@yahoo.com

چکیده

مدرسه چهارباغ که مدرسه سلطانی و مدرسه مادرشاه نیز نامیده می‌شود، آخرین بنای تاریخی باشکوه دوران صفوی در اصفهان است که برای تدریس و تعلیم به طلاب علوم دینی در دوره شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه صفوی، از سال ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۶ هجری قمری ساخته شده است. مدرسه چهارباغ که به قول بسیاری از محققین هم مدرسه و هم مسجد بوده است، با ۸۵۰۰ متر مربع مساحت در ضلع شرقی خیابان چهارباغ قرار دارد. از سوی دیگر، حکمت مشاء توسط ارسطو پایه‌گذاری شد که ابن سینا مهم‌ترین نماینده آن در بستر فلسفه اسلامی به شمار می‌رود. در این نوشتار، با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و تحلیل کیفی، عناصر مدرسه چهارباغ در ارتباط با حکمت مشاء بررسی و تحلیل شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مدرسه دینی چهارباغ یکی از زیباترین و باشکوه‌ترین بناهایی است که در دوره صفویه ساخته شده و مکانی برای تدریس طلاب و مشتاقان علوم دینی بوده است. از آنجا که در ایران نیز مشتاقان بسیاری برای یادگیری و به چالش کشیدن مکاتب ملل دیگر وجود داشته است، حکمت مشاء نیز توسط دانشمندان و فیلسوفان ایرانی مورد بررسی و تکامل قرار گرفته است. احداث این مدرسه در حقیقت تمثیلی برای تلاش انسان در راستای بازسازی زندگی پس از مرگ بر روی زمین است و کوششی برای رسیدن به بهشت آرمانی در این دنیا به شمار می‌رود. با توجه به اهمیت علم‌آموزی در دوران صفوی، احداث محل‌های متعدد تدریس علوم رایج بود و مدرسه چهارباغ یکی از سرآمدترین این مکان‌ها به لحاظ معماری و محل ساخت می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مدرسه چهارباغ، صفویه، معماری اسلامی، حکمت معماری.

Analysis of the Wisdom of Chaharbagh's Elements and Architecture

Atena Kiyani Mojahed / Master's student in Art Research, Faculty of Arts, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

atena_kiani@yahoo.com

Abstract

Chaharbagh School, which is also called Sultani School, is the last magnificent historical monument of the Safavid era in Isfahan, which was built to teach students of religious sciences during the period of Shah Sultan Hossein, the last Safavid king, from 1116 to 1126 AH. Chahar Bagh School, which according to many researchers was both a school and a mosque, is located on the eastern side of the Chahar Bagh Street in an area of 8500 square meters. In contrast, Hikmat Masha was founded by Aristotle, of whom Ibn Sina is regarded as the most important representative in the context of Islamic philosophy. In this article, using the library method and qualitative analysis, the elements of the Chahar Bagh school related to Hikmat Masha will be examined and analyzed. The results of this research show that Chahar Bagh religious school is one of the most beautiful and magnificent buildings built during the Safavid era and was a place for teaching students and those interested in religious sciences. Since there have been many people eager to learn and challenge the schools of other nations in Iran, the wisdom of Masha has also been studied and developed by Iranian scientists and philosophers. The construction of this school is actually an allegory for man's effort to restore life after death on earth and it is an effort to reach the ideal paradise in this world. Considering the importance of learning science in the Safavid era, it was common to build many science teaching places, and Chaharbagh School is one of the best places in terms of architecture and construction.

Keywords: Chaharbagh School, Safavid, Islamic architecture, wisdom of architectural.

مقدمه

هدف از تاسیس مدرسه چهارباغ، تعلیم علوم دینی بوده است. همچنین مراسم‌های دینی و مذهبی نیز در آن برگزار می‌شد. مکانی برای جلوس شاه سلطان حسین نیز در آن تعبیه شده بود که به هنگام ورود به مدرسه، در آن جلوس می‌کرد. فلسفه مشاء توسط ارسطو پایه‌گذاری گردید و با توجه به علاقه فیلسوفان مسلمان به علوم دینی و فلسفی، توسط ابن سینا و فارابی تکمیل و گسترده گردید. می‌توان ابن سینا را نماینده و رئیس فیلسوفان مسلمان مشایی و خواجه نصیرالدین طوسی را احیاگر آن دانست.

مدرسه دینی چهارباغ یکی از زیباترین و باشکوه‌ترین بناهایی است که در دوره صفویه ساخته شده و مکانی برای تدریس طلاب و مشتاقان علوم دینی بوده است. از آنجا که در ایران نیز مشتاقان بسیاری برای یادگیری و به چالش کشیدن مکاتب ملل دیگر وجود داشته است، حکمت مشاء نیز توسط دانشمندان و فیلسوفان ایرانی مورد بررسی و تکامل قرار گرفته است. در این مقاله، ضمن توضیح مکان چهارباغ به اختصار به شرح فلسفه مشاء و فلسفه‌های مرتبط پرداخته می‌شود. از فلسفه‌های مرتبط می‌توان به فلسفه اشراق که توسط سهروردی ارائه گردید و فلسفه رواقیون که توسط زنون پایه‌گذاری شد، نام برد. همچنین افلاطون نیز با ارائه فلسفه خویش که بر سه اصل مثل، خلقت روح از بدن و یادآوری علم استوار بود، ارائه کرده است. اما آنچه که مهم است، چیره‌دستی و مهارت فیلسوفان ایرانی مسلمان است که ضمن مطالعه دقیق مکاتب یاد شده، به شرح اشکالات و بسط آن همت گماردند و از دل این مکاتب، مکاتب جدیدی ارائه کردند که می‌توان از ملاصدرا که پایه‌گذار مکتب متعالیه بود، نام برد. این پژوهش حاصل بررسی و مطالعه منابع مختلفی است، اما مهم‌ترین پایه آن مربوط به منابعی همچون پیرنیا و معماریان (۱۳۸۲) و خواجه احمد عطاری، آقاداتی و تقوی نژاد (۱۳۹۷) است.

توسعه علم پس از ظهور اسلام و دوران صفوی

در دوران قبل از اسلام، به خاطر تعلق داشتن علم و دانش به طبقه محدودی از جامعه، امکان فراگیری علم در همه آحاد افراد جامعه نبود و چه بسا افراد با استعدادی به خاطر همین امر، در محاق سکوت قرار می‌گرفتند، اما پس از ظهور اسلام و امکان فراگیری علم برای تمام

افراد جامعه، شاهد ظهور نوابغی بودیم که آوازه نام و یادشان جهانی است. در عصر صفوی، توجه شایانی به تمام علوم و خصوصاً علوم دینی گردید که می‌توان گفت از دستاوردهای فرهنگی در عصر صفوی، گسترش، رشد و رونق حوزه علمیه شیعه در ایران می‌باشد که می‌توان از چندین حوزه و مدرسه در آن ایام یاد نمود.

اولین حوزه‌های علمیه‌ای که در عصر صفوی به همت شاه طماسب رونق یافت، حوزه کاشان بود که با اقامت محقق کرکی در آنجا بنا شد. شاه طهماسب مقدمات اقامت وی در این شهر را فراهم آورد و با آمدن طلاب به این حوزه، توسعه و گسترش یافت. با توجه خاصی که شاه طهماسب به شهر مشهد داشت، حوزه علمیه مشهد نیز در این دوره رشد یافت. ملا عبدالله شوشتری و مولانا محمد رستم‌داری در گذشته، اوایل قرن یازدهم از عالمان این حوزه بودند. این حوزه با آمدن مولا محمدباقر محقق سبزواری به اوج خود رسید. حوزه اصفهان نیز با مهاجرت برخی علما مانند شیخ علی منشار - شیخ الاسلام اصفهان در عصر شاه عباس اول - رونق یافت و با انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان، بر فعالیت آن افزوده شد و در دوران شیخ بهائی و میرداماد به اوج خود رسید. علاوه بر حوزه‌های علمیه، مدارس دینی زیادی نیز در زمان صفوی ساخته و یا بازسازی شد که می‌توان به مدرسه چهارباغ یا مدرسه مادر شاه یا مدرسه سلطانی که به لحاظ معماری و هنرهای تزئینی به کار رفته در بنای آن ارزش چشم‌گیری داشته است و مدرسه نواب در شهر مشهد در دوران شاه سلیمان که به وسیله میرزا صالح نقیب رضوی بنا گردید، اشاره کرد.

به طور خلاصه، از عواملی که باعث رشد و توسعه حوزه‌ها و مدارس دینی در ایران شدند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مهاجرت علما به ایران: به دلیل تشکیل حکومت شیعی منسجم و مقتدر در ایران در عهد صفوی، شماری از علما به ایران مهاجرت کردند که می‌توان به شیخ کرکی و شیخ عبدالصمد جیبلی عاملی نام برد. از میان شمار فراوان این دانشمندان و اندیشمندان در اینجا، تنها به نام برخی از ایشان اشاره می‌شود. غیاث‌الدین منصور شیرازی دشتکی از دانشمندان برجسته در فلسفه، کلام، ریاضیات و فلکیات که در فقه نیز تبحر داشت. حسین بن شرف‌الدین عبدالحق اردبیل از معاصران و شاگردان غیاث‌الدین دشتکی در شیراز، میرمحمد استرآبادی و فرزند او میرمحمدباقر معروف به میرداماد، ابوالقاسم حسینی فندرسکی و ملاصدرای شیرازی از آن جمله‌اند.

۲. حمایت شاهان صفوی: شاهان صفوی و اعضای دیگر این خاندان، افرادی فرهیخته بودند و شخصاً در تلاش‌ها و کوشش‌های هنری و ادبی این دوره شرکت می‌کردند و به انگیزه‌های مختلف و شکل‌های گوناگون از دانشمندان و کارهای علمی و آموزشی پشتیبانی و حمایت می‌نمودند. این حمایت‌ها فقط خاص دربار نبود و حکام ایالت‌ها نیز دست‌کم در سده نخست حکومت صفویان، از حامیان ادب و هنر برشمرده می‌شدند. آن‌ها از عالمان شیعه در خارج از کشور دعوت می‌کردند که به ایران بیایند و کمک‌های مالی و معنوی برای دانشمندان در نظر می‌گرفتند. گاه برای آن‌ها حقوقی برای تدریس مقرر می‌کردند و اکثر آنان را از موقوفات بهره‌مند می‌ساختند. شاهان صفوی دانشمندان را به تألیف و ترجمه کتب تشویق و ترغیب می‌نمودند و آنان به ساخت و نوسازی مساجد و مدارس علمیه مبادرت می‌ورزیدند. در دوره صفوی، در شهرهای بزرگ و کوچک ایران، مساجد بزرگ و زیبایی ساخته شد یا مساجد ادوار گذشته بازسازی و تعمیر شدند که به طور معمول، به عنوان مکانی برای آموزش علوم دینی بهره‌برداری می‌شدند. از مهم‌ترین این اقدامات، ساخت مسجد جامع اصفهان بود که در زمان شاه عباس اول آغاز شد. بخش‌هایی از آن، در زمان وی و بخش‌های دیگرش، در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم به پایان رسید.

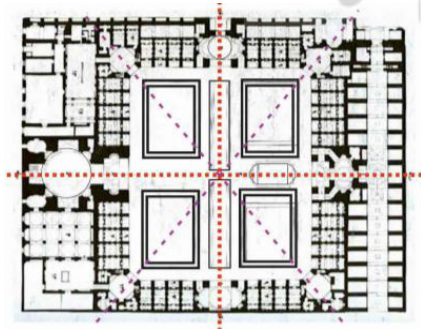
حکمت و فلسفه در دوران صفوی

باید اذعان داشت که در دوره صفویه، فلسفه رشد چندانی نداشت، بلکه تنزل هم کرد. دلیل مهم این بود که اکثر آن‌ها شرح‌کنندگان آرا و حاشیه‌نویسان بر آثار دانشمندان پیش از خود بودند و در کار آنان به جز برخی چهره‌های برجسته، مانند ملاصدرا، شیرازی، نوآوری و ابتکار کمی به چشم می‌خورد. بر این اساس، بنابر نظر برخی نویسندگان، حکمت و فلسفه در این دوره، نه تنها ترقی نیافت، بلکه تنزل هم کرد؛ چنان‌که پس از دانشمندان دوره تیموری، هیچ‌کس که بتواند هم‌شان ملاصدرا باشد، ظهور نکرد. بدون شک می‌توان از ملاصدرا پرچم‌دار و پیشرو حکمت فلسفه در دوره صفوی نام برد. حکمت و فلسفه در این عصر، با ظهور صدرالدین محمد شیرازی به اوج خود رسید. او که آرای حکمای زمان خود را دیده و از مکتب علمی آنان بهره برده بود، طرحی نو در این دانش پدید آورد که تلفیقی از آرای مختلف فلسفی به شمار می‌رود و به حکمت متعالیه شهرت یافت و پس از مرگ وی، مورد توجه و اقبال شگفت طالبان فلسفه قرار گرفت. ویژگی دیگر ملاصدرا، به جز ارائه طرحی جدید

بیان ساده مطالب دشوار فلسفی بود؛ چنان‌که به قولی، ضعیف‌ترین طلاب علوم دینی نیز با خواندن کتاب‌های وی مطالب را درک می‌کردند. آثار مکتوب وی را بیش از ۲۵ عنوان نام برده‌اند که برخی از آن‌ها مانند اسفار اربعه، بارها شرح و حاشیه‌هایی بر آن نوشته شده است. شاگردان ملاصدرا پس از او به نشر افکار وی پرداخته، هر یک کتاب‌ها و رساله‌های متعددی به رشته تحریر درآوردند. از جمله، عبدالرزاق لاهیجی متخلص به فیاض علاوه بر کتب عربی خود، در این زمینه، دو کتاب به زبان فارسی به نام‌های سرمایه ایمان و گوهر مراد نوشت و ملامحسن فیض کاشانی، چند کتاب در تبیین و اثبات اصول دین تألیف کرد.

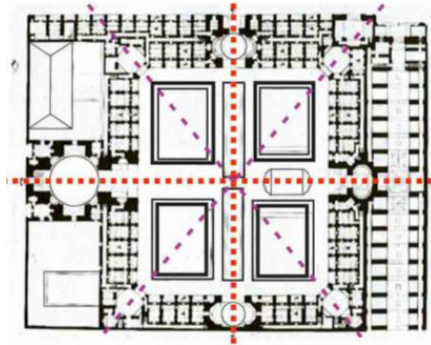
مدرسه چهار باغ

بزرگ‌ترین نمونه توسعه شهری، با حفظ ارزش‌های گذشته که آخرین دستاورد مهم معماری دوره صفوی را نشان می‌دهد، مربوط به مجموعه مادرشاه، در میان باغ بلبل، در جوار چهار باغ است. این مجموعه یادآور شکوه آثار شاه عباس اول و دربردارنده یک مدرسه، یک کاروان‌سرا و یک بازار بود. مدرسه چهارباغ که مهم‌ترین و شاخص‌ترین بنای این مجموعه به حساب می‌آید، حد فاصل خیابان چهارباغ و کاروان‌سرای عباسی قرار دارد که سال‌های ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۶ ق به دستور شاه سلطان حسین و با حمایت و نظارت مستقیم وی، برای تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی بنا شده است. راجر سیوری، مسجد مدرسه چهارباغ را باشکوه‌ترین بنایی می‌داند که به دست جانشینان شاه عباس اول در اصفهان ساخته شده است. همچنین می‌توان این مدرسه را حاصل شکوفایی سازمان‌های تعلیماتی شیعه و جزء شاهکارهای هنر اسلامی دانست. با توجه به پلان بنا، فرم مربع صحن و حیاط اصلی و همچنین جای‌گیری چهار حیاط خلوت چهار طرف صحن اصلی کاملاً قابل تشخیص است. متراژ کلی بنا حدود



۸۵۵۰ مترمربع و ابعاد حیاط مرکزی یا صحن در حدود ۶۰ در ۶۵ متر ذکر شده است و باغچه‌ها سمبلی از چهارباغ در اندازه کوچک‌تر به صورت فرم چلیپا در این مربع قرار گرفته است.

تصویر ۱: پلان طبقه اول مسجد مدرسه چهارباغ پلان



تصویر ۲: طبقه دوم مسجد مدرسه چهارباغ

ویژگی‌های مدرسه چهارباغ

ورودی: مسجد مدرسه چهارباغ دارای ورودی‌های اصلی و فرعی در جبهه غربی و شمالی است. موقعیت ورودی اصلی مدرسه عقب‌تر از لبه معبر است. بعد از سردر ورودی، هشتی و درگاهی تعبیه شده است که

دسترسی به صحن، ایوان غربی و فضاهای جانبی را میسر می‌سازد.

صحن: متناسب با اقلیم گرم و خشک اصفهان، در بنای چهارباغ، وجود باغچه‌ها و نهر آب که از زیر ایوان غربی وارد شده است، در ایجاد فضایی بانشاط و سرسبز برای تعلیم و عبادت، کارایی بسیار دارد. این نهر بعد از جریان یافتن در بستر سنگی به عرض ۶ متر، از زیر ایوان شرقی خارج می‌شود و به عنوان یک هواکش مصنوعی محیط مطبوعی را فراهم می‌سازد. چهارگوشه این بنا، با چهار فضای هشت ضلعی ساخته شده که علاوه بر گردش ملایم دید از نظر بصری در عمل نیز امکانی برای ایجاد حجره‌های بیشتر پدید آورده است.

نمازخانه و مسجد: فضای مسجد در بنای چهارباغ، در دل ایوان جنوبی قرار گرفته و تماماً رو به قبله بنا شده است. دارای گنبدی از نوع نارگسسته و به شکل دوپوسته است. این گنبد از نظر تناسب معماری و زیبایی طرح کاشی‌کاری، بعد از گنبد مسجد شیخ لطف‌الله، دارای اهمیت بسیاری است. علاوه بر این، گنبدخانه با طرح هشت ضلعی، دارای محراب و منبر سنگی مرمرین شاخصی نیز است.



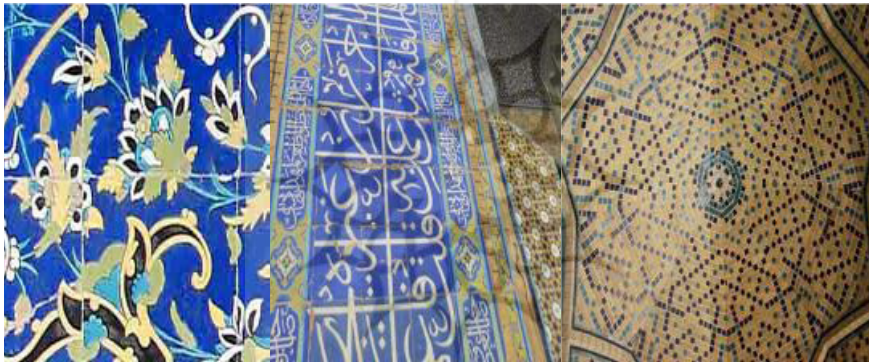
تصویر ۳: نمای صحن مدرسه چهارباغ



تصویر ۴: نمای سردر ورودی مدرسه چهارباغ

آرایه‌های کاشی‌کاری: تنوع فنون کاشی‌های بنا قابل توجه است. از جمله مهم‌ترین این فن‌ها، می‌توان به هفت رنگ، معرق، معقلی و کاشی فتیله اشاره نمود. با توجه به ایجاز این مقاله، در این قسمت از جزئیات کمی و کیفی بازتاب هر

یک از فنون چشم‌پوشی نموده و به طور اجمالی، مهم‌ترین آن‌ها ارائه داده می‌شود.



تصاویر ۵، ۶ و ۷: نقوش هندسی (در جرزها و دهنه‌ها، لنگه طاق‌ها، اطراف پاگرد و گنبد)، کتیبه (هشتی ورودی، نمای خارجی و داخلی محراب‌ها، ایوان شمالی) و نقوش گیاهی (ایوان‌ها، لچکی‌ها، فضای داخلی گنبد و بالای مناره‌ها)

همان‌گونه که گفته شد، کاربرد وسیع تزئینات در بنای مسجد مدرسه چهارباغ که به آن اشاره شده، نمایشی از حمایت طبقه حاکم از این بنا است. آرایه‌های سنگی: این تزئینات در مدرسه چهارباغ بیشتر در قالب ستون‌های گلدانی در ورودی، سنگاب‌ها و کتیبه‌نگاری‌ها به کار رفته است.

حکمت مشاء

از مکاتب فلسفی است که برخلاف مکاتب دیگر مانند فلسفه اشراق و حکمت متعالیه،



تصاویر ۸، ۹ و ۱۰: شبکه، حجاری و نقاشی و طلااندازی، مدرسه چهارباغ

فقط بر عقل و استدلال عقلی مبتنی است. فلسفه مشاء توسط ارسطو پایه‌گذاری گردید و بعدها توسط ابن سینا و فارابی تکمیل و گسترده گردید. ابن سینا را نماینده و رئیس فیلسوفان مسلمان مشائی و خواجه نصیر طوسی را احیاگر فلسفه مشاء خوانده‌اند. تفاوت اصلی فلسفه مشاء با فلسفه اشراق و حکمت متعالیه را در روش آن دانسته‌اند. در فلسفه مشاء، فقط از عقل و استدلال عقلی استفاده می‌شود، اما در فلسفه اشراق علاوه بر استدلال عقلی، از شهود و اشراق برای کشف حقایق استفاده می‌شود و در حکمت متعالیه، در کنار عقل و اشراق، از منابع عرفانی و وحیانی نیز استفاده می‌شود. ناگفته نماند فلسفه مشاء با منتقدانی از فلسفه و متکلمانی همچون ابوحماد غزالی، فخر رازی و شیخ اشراق روبه‌رو بوده است که سبب تکفیر ابن سینا و فارابی و غزالی در سه مسئله قدم عالم، انکار علم خدا به جزئیات و انکار معاد جسمانی شده است.

رواقیون

مکتب و فلسفه رواقیون، توسط زنون یونانی در آتن پایه‌گذاری گردید. این مکتب مبتنی بر اخلاق شخصی است که انسان‌ها به عنوان یک موجود اجتماعی، می‌بایست راه رسیدن به خوش‌روانی و خوشبختی را خویش پیدا کنند. رواقیون انسان‌ها را به انجام وظیفه طبیعی عاقلانه دعوت می‌کنند و هدف را رسیدن به نظم درونی تکامل فردی در سایه زندگی اجتماعی و رفتار خوب با دیگر افراد می‌دانند. شعار رواقیون، «از طبیعت پیروی کن» می‌باشد، چون به عقیده رواقیون، رسیدن به تکامل و نظم درونی از زندگی موافق با طبیعت به دست می‌آید.

افلاطون

به نظر افلاطون، حکمت برترین دانش است. بدین معنا که روح فرد برای شناخت آن چه هست و برای نیل به حقایق باید از بند تن رها شود و از طریق سیر وجودی و عروج روحانی و معنوی، به شهود حقایق دست یابد و حقیقت اشیاء را بی‌واسطهٔ مفاهیم مشاهده کند. افلاطون حکمت را برتر از فلسفه و دانش الهی می‌دانست. هدف عمده حکمت افلاطون، جهان مادی نمونه یا عکس ناقص از مثال اعلی و کامل الهی است. هر آنچه بر روی زمین است، نسخه بدل و مثالی است که در عالم بالا قرار دارد. افلاطون سراسر زندگی، خود را وقف حقیقت و رسیدن به حقیقت نمود.

نتیجه

احداث مدرسه به صورت چهار باغ، در حقیقت تمثیلی برای تلاش انسان در راستای بازسازی زندگی پس از مرگ بر روی زمین است و کوششی برای رسیدن به بهشت آرمانی در این دنیا به شمار می‌رود. با توجه به اهمیت علم‌آموزی در دوران صفوی و احداث محل‌های متعدد تدریس علوم، مدرسه چهار باغ یکی از سرآمدترین این مکان‌ها به لحاظ معماری و محل ساخت می‌باشد. همان‌طور که از نام این بنا مشخص است، محلی برای تبادل اندیشه و علم‌آموزی است. از این‌رو سنت فلسفه اسلامی با گرایش مشایی آغاز شد و فیلسوفانی نظیر فارابی، عامری، ابن سینا، بهمن یار، فخر رازی، خواجه نصیر طوسی و... به جهان عرضه شد که در این میان، فارابی و ابن سینا جایگاه ممتازی دارند. تربیت و ظهور این همه نابغه علوم در دنیای اسلام علی‌الخصوص ایران، میسر نبود مگر داشتن محیط امن و آرام محل کسب و تحصیل که مدرسه چهار باغ نمونه بارزی از این مهم می‌باشد. مساحت عظیم مسجد مدرسه چهار باغ که با ذکر تناسبات در مطالب فوق ارائه گردید که خود گویای جایگاه شاخص این بنای شاهانه، در قیاس با همه مدارس و مسجد مدرسه‌های عصر صفویه است. در کنار وسعت کم نظیر که نشان از حمایتی شاهانه و مستقیم دارد، دیگر اجزاء بنا، نظیر ایوان‌ها نیز کاملاً روشمند و وفادار به فرم اصیل چلیپا و چهار ایوانی با وسعت کلی بنا در تناسب بوده و به صورت مرتفع، باشکوه و دارای همه جزئیات نظیر گنبد، مناره، گلدسته، محراب و منبر و دیگر جزئیات تعریف شده برای یک بنای کامل و ایده‌آل ایرانی اسلامی در متون کهن و منابع ذکر

شده است.

منابع

- پیرنیا، محمد کریم و معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۲). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران: پژوهنده.
- خواجه احمد عطاری، علی‌رضا؛ آقاداتی، محی‌الدین و تقوی‌نژاد، بهاره. (۱۳۹۷). «تطبیق و تحلیل ساختار معماری و تزئینات دو مسجد-مدرسه چهارباغ و علیقلی آقا». پژوهش‌های ایران‌شناسی. ۸(۱). ۱۷-۳۶.

